

شخصیتی جامع و فراگیر

اقتدار حسین صدیقی*

ترجمه: پرویز تیری

تاریخ دقیقش به خاطرمانده است، اما به احتمال زیاد، اولین بار در سال ۱۹۶۴ م مقاله‌ای را از استاد مطالعه کردم. این مقاله درباره برخی از رساله‌ها و آثار مشهور نظیر اکبرآبادی نوشته شده بود. اکنون نسخه‌های خطی آن رسالات در کتابخانه دانشگاه دهلی موجود است. این مقاله به همراه مقاله‌های دیگری از دانشوران و ادیبان مختلف توسط مرحوم مالک رام به صورت یک کتاب گردآوری و به چاپ رسیده بود. البته بیشتر این مقاله‌ها، علمی و پژوهشی بودند. تا آن زمان تصور می‌شد که نظیر اکبرآبادی از شاعران اردو زبان نیمه دوم قرن هجده میلادی باشد، اما از عنوان مقاله استاد عابدی معلوم شد که وی نوشته‌های منتوری نیز از خود برجای گذاشته است. به همین دلیل بود که خواندن آن مقاله را با کنجکاوی و دلچسپی فراوان آغاز کردم. همان طوری که در ضمن مطالعه کتاب را ورق زده و از صفحه‌ای به صفحه دیگر می‌رفتم، احساس کردم که مطالب نوشته شده در این مقاله‌ها از اهمیتی تاریخی برخوردارند. جالب توجه این که در این مقاله‌ها زندگی اجتماعی و فرهنگی شهر آگره در عصر نظیر، به گونه‌ای بسیار مطلوب به تصویر کشیده شده‌اند.

با مطالعه مقاله دوم پی بردم که نویسنده آن در زمینه ادب فارسی وارد و از توانایی‌های علمی بالاتری نسبت به محققان و پژوهشگران دیگر برخوردار است زیرا وی نه تنها با شیوه تحقیق دوره حاضر در اروپا آشنایی کامل دارد؛ بلکه از ضوابط و

* استاد مرکز مطالعات پیشرفته تاریخ، دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره.

مقررات پژوهشی علوم مختلف و به‌کارگیری و استفاده صحیح و دقیق آنها نیز آگاه است. بدین معنی که وی در روش تحقیق خود، دیدگاهی افلاطونی داشته و در علوم مختلفه احاطه و تسلط دارد.

در هندوستان بسیاری از پژوهشگران تاریخ دوره میانه، پا را از محدوده روایت فراتر گذاشته و مطالعه بُعد دیگری از تاریخ را ضروری و اجتناب‌ناپذیر دانستند. این چرخش، در تحقیق و پژوهش نوعی تحول و دگرگونی را باعث شد و آن اینکه مطالعه تاریخ تنها به‌لشکرکشی و کشورگشایی پادشاهان و سیاست و عملکرد آنها محدود نمی‌شود. زیرا علاوه بر سیاست، حکمت علمی و شیوه حکومت پادشاهان، نهادها و نحوه اداره امور سیاسی و اجتماعی هر دوره، بر فرهنگ و زندگی انسانی عصر مربوطه، تأثیر عمیق و بسزایی دارند. استاد عابدی در مقاله خود بسیار واضح و به‌طرز شیوایی از اهمیت نقش بازار در زندگی اجتماعی و اقتصادی شهر آگره و اطراف آن و تأثیر دلپسند و خوشگوار آن سخن رانده است. زیرا نظیر اکبرآبادی در آثار خود بسیار ماهرانه بازارهای این شهر را به‌تصویر کشیده است. پس از مطالعه این مقاله برای به‌دست آوردن دیگر مقاله‌های استاد عابدی، تلاش فراوان به‌کاربرد و در مطالعه آنها با مأخذ و منابع مهم تاریخی و فرهنگی آگاهی یافتیم. چند سال بعد در شهر علیگره افتخار آشنایی با استاد عابدی نصیب شد. این ملاقات در ساختمانی به‌نام حیدر ویلا - که منزل مرحوم استاد محب‌الحسن بود - رخ داد. من به‌همراه همکار با سابقه‌ام در گروه تاریخ دانشگاه اسلامی علیگره، دکتر نعمان احمد صدیقی در منزل محب‌الحسن گرد آمده بودیم، و این دو، سرگرم گفت‌وگو درباره تاریخ اسلام بودند، که در این اثنا استاد عابدی نیز وارد منزل شد و پس از سلام و احوال‌پرسی با آنها شریک سخن شد.

هرگاه استاد عابدی درباره موضوع مورد بحث، لب به‌سخن گشوده و اظهار نظر می‌کرد، در تأیید سخنان خود، به‌ذکر منابع و مأخذ معتبر می‌پرداخت و این خود حاکی از دیدگاه علمی وی در مورد تاریخ اسلام بود. وی به‌شدت با پذیرفتن غیرمستدل روایات رایج و مقبول در میان مردم، مخالف بود و هر روایت و گفته‌ای را به‌دیدۀ شک نگریسته و در کشف صحت و حقیقی بودن این‌گونه روایات، به‌دنبال منابع و مأخذ معتبر و قابل قبول می‌گشت. چنانچه روایتی متعلق به‌عصر مشخصی باشد و ذکر آن در

منابع معاصر موجود نبوده، و در آثاری باشد که در سده‌های بعدی برجای مانده، استاد عابدی روایت مذکور را در حدّ یک افسانه، معتبر می‌داند.

جناب عابدی و استاد نذیر احمد با یکدیگر رابطه‌ای دیرینه و دوستی صمیمانه‌ای دارند و این جانب نیز از مریدان قدیمی استاد نذیر احمد به‌شمار می‌روم. به‌خاطر همین ارادت، استاد عابدی نیز توجه خاصی به‌من مبذول داشته و مرا مورد عنایت خود قرار داده است. وی سفرهای زیادی به‌علی‌گره کرده، و بدین سبب من ملاقاتهای متعددی با وی داشته‌ام. در همایش‌هایی نیز که خارج از شهر علی‌گره برگزار می‌شود، روزهای بسیاری را در کنار وی گذرانده‌ام. شب هنگام در میهمانخانه محل اقامت، شاگردان و ارادتمندان استاد در کنار وی گردهم آمده و تا نیمی از شب گذشته، به‌بحث و گفت‌وگو در مورد مسائل علمی پرداخته و از سخنان استاد، که علاوه بر سودمند بودن آن، سرشار از جنبه‌های علمی دلچسب و سرگرم کننده است، بهره می‌برند.

شایان ذکر است که استاد عابدی علاقه و اشتیاق فراوانی به پیشرفتهای علمی و شغلی شاگردان خود دارد. شاگردان استاد نیز همیشه خود را مرهون احسان و محبت‌های وی دانسته، و اعتقاد خاصی به‌او دارند. شمار بسیاری از شاگردانش از استادان دانشگاه‌های کشور هند هستند، و برخی از آنها از نظر علمی هم چون درختی تنومند بوده و در زمره برجسته‌ترین وزنه‌های علمی دانشگاه‌ها قرار دارند و دانش‌پژوهان بسیاری از دستاورد و فضایل علمی آنها مستفیض شده و بهره می‌برند.

استاد عبدالودود اظهر دهلوی که از استادان صاحب نام زبان و ادب فارسی در دانشگاه جواهرلعل نهرو دهلوی نو است و شهرتی بین‌المللی دارد، یکی از شاگردان استاد عابدی است. هر زمان که امکان ملاقات با استاد اظهر پیش آمده و از وی حال و احوال استاد عابدی را جويا می‌شدم، وی با چنان احترام و ارادتی از استاد عابدی یاد می‌کرد، که گویا مریدی از مرشد خود سخن می‌گوید. باید اعتراف کنم که در این مورد باید به‌شخصیت فراگیر استاد عابدی، رشک برد.

استاد عابدی همیشه در تلاش برای به‌دست آوردن نسخه‌های فارسی نوشته شده، در دوره میانه هند است. اگر وی با خبر شود که در شهر و یا روستایی دورافتاده، فردی زندگی می‌کند که دارای نسخه‌های خطی فارسی است، فوراً برای شناسایی و مطالعه آن

نسخه خطی آماده سفر شده، و به آن محلّ می‌رود. گاهی اوقات اتفاق می‌افتد، که وی برای این مقصد به روستایی می‌رود، که فاقد هرگونه امکانات بوده و در آنجا حتی مسافرخانه و سالن غذاخوری وجود ندارد. اما وی به‌عشق دیدن نسخه‌های خطی و آگاهی از ارزش و اهمیت آنها، حاضر به تحمل هرگونه سختی و پیمودن ناهمواریهای مختلف است. حاصل این شوق و تلاش پی‌گیر آن که استاد گرامی تاکنون موفق به کشف و شناسایی نسخه‌های خطی کمیاب و با ارزشی شده، و با ارائه مقاله‌های تحقیقی آنها را به دانشوران و پژوهشگران علاقه‌مند معرفی کرده است. استاد علاوه بر مطالعه این نسخه‌های خطی علاقه بسیاری به‌آشنایی با آثار معماری دوره میانه و سرگذشت بنای آنها دارد. وی هرگاه که به‌منظور انجام مصاحبه استخدامی استادیاران متقاضی به‌دانشگاه‌های مختلف در خارج از شهر دهلی مسافرت کرده، و در حین سفر متوجه وجود بنایی می‌شد که دارای اهمیت تاریخی بود، از آن بازدید به‌عمل می‌آورد.

هنگامی که دکتر وقارالحسن - رئیس سابق اداره باستانشناسی هند - به‌عنوان نماینده اعزامی دولت هند عهده‌دار مأموریت در کتابخانه رضا واقع در شهر رامپور هند شد، و مسئولیت اداره کتابخانه را بر عهده گرفت، وی این کتابخانه را تبدیل به یک مرکز آموزشی - پژوهشی کرد و تصمیم به‌برگزاری همایش سالانه‌ای در مورد فرهنگ و تاریخ و میراث علمی روئیل‌کند^۱ گرفت و استاد عابدی نیز از هر جهت به‌وی در انجام این همایش کمک کرد. به‌خاطر دارم که در یکی از همین همایش‌ها فردی به‌استاد عابدی اطلاع داد، که در منطقه بجنور در شهرستان نجیب‌آباد عمارتی وجود دارد، که توسط نجیب‌الدوله ساخته شده و دارای اهمیت تاریخی است. پس از پایان همایش، شرکت‌کنندگان به‌شهرها و منازل خود مراجعت کردند؛ اما استاد عابدی مستقیماً از رامپور به‌سوی نجیب‌آباد عزیمت کرد. چند ماه بعد با استاد ملاقاتی پیش آمد، که وی طی آن به‌من گفت:

”تو چگونه خود را از اهالی روئیل‌کند می‌خوانی درحالی‌که هنوز نتوانسته‌ای به‌دیدار آثار تاریخی سرزمین خود بروی، و آنجا را از نزدیک ببینی؟“

1. Rohilkhand.

و سپس با ظرافت هرچه تمامتر به بیان ویژگی‌های معماری بناهای شهر نجیب‌آباد و نواحی آن پرداخت. دو سال قبل، در سال ۲۰۰۰ م، در همایش دیگری که در شهر رامپور برگزار شده بود، استاد عابدی با شخصی آشنا شد که از شهر پیلی‌بهیت آمده بود. این شخص در مقاله خود به معرفی احوال حافظ رحمت خان پرداخت و از کوشش‌های وی برای تبدیل قصبه گمنام پیلی‌بهیت به شهری بزرگ و زیبا سخن راند. هنگامی که استاد عابدی وصف زیبایی مسجد جامع این شهر را شنید، عزم سفر به سوی این شهر کرد، و بلافاصله پس از پایان همایش روانه این شهر شد. وی با دیدن مسجد جامع پیلی‌بهیت به وجد آمد و از شادی در پوست خود نمی‌گنجید. این آخرین مسجد بنا شده در قرن هجدهم میلادی است که شباهت فراوانی به مسجد جامع دهلی دارد - که توسط شاهجهان گورکانی ساخته شده - و بلکه سازنده، در بنای آن از نقشه مسجد جامع دهلی سود جسته و تمامی ظرافت‌های فنی آن را در بنای مسجد جامع پیلی‌بهیت به کار برده و آن را بنایی دیدنی و چشمگیر ساخته است.

علاقیق و دلچسبی‌های علمی استاد عابدی به ادب فارسی و علم تاریخ محدود نمی‌شود. وی مطالعات عمیقی در مورد مذهب، فلسفه و تصوف دارد. او کتب ادیان و مذاهب مختلف را مطالعه کرده است، و درست به همین دلیل است که وی فردی روشنفکر، به دور از تعصب بوده و معتقد به همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان مختلف است. به نظر استاد هر سخن و روایت مذهبی که در آن پند و اندرز نهفته باشد، قابل تمجید و ستایش است: انسان می‌تواند به آن عمل کند. به اعتقاد وی مطالعه تقابلی و تطبیقی مذاهب، این امکان را برای انسان فراهم می‌آورد تا وی بتواند به هماهنگی با تمام کائنات تمایل یافته، به همین طریق با نوع بشر و بنی آدم ابراز محبت و همدردی کند. علاوه بر این آشنایی با تعالیم دیگر ادیان، علم انسان را افزون ساخته و به وی این امکان را می‌دهد، تا وی بتواند با تعالیم و ارزش‌های بنیادی، اخلاقی و معنوی دین خود آشناتر شده و آنها را بهتر درک کند. در نتیجه در باورهای استاد این باعث می‌شود، تا انسان در مورد حقیقت ازلی و مسائل ما بعد الطبیعه دگر بار از سر نو توجه و پژوهش کند. خلاصه اینکه اتخاذ چنین شیوه‌ای در مطالعه و تحقیق به خردافروزی و خودآگاهی

انسان کمک می‌کند. شرح بیشتر چنین تفکری را می‌توان در کتاب استاد با عنوان «تصوّف در هند»^۱ پی‌گیری کرد.

از مطالعه اثر یاد شده، چنین گمان می‌رود که رواداری مذهبی، همدردی انسانی و احترام به دیگر مذاهب توسط عارفان اسلامی و آمادگی برای پذیرش روایاتی که با تعالیم بنیادی اسلام تضاد نداشته، و در ترقی و تعالی معنوی انسان مؤثر است، استاد عابدی را تحت تأثیر قرار داده است. وی در دیباچه کتاب «تصوّف در هند» چنین رقم می‌زند:

”پیروان مذهب روایتی به پیروان دیگر مذاهب تعصب می‌ورزند. عدم آگاهی از دیگر مذاهب منجر به نفاق و خشونت در میان انسان‌ها شده، و آنها را در تاریکی تعصب سرگردان می‌سازد. چنین فرد ناآگاهی همیشه بر این تصور است، که تعالیم و آموخته‌های مذهب وی، بر دیگر مذاهب برتری دارد و ادیان دیگر از ایراد خالی نیستند.“

برخلاف علما و پیروان آنها، مشایخ صوفیه به هر سرزمینی که پا نهادند، با دقت و سنجیدگی تمام به مطالعه اعتقادات مردم و تعالیم و روایات مذاهب آن سرزمین پرداختند و آنچه را که در آن ادیان و مذاهب از نظر معنوی و اخلاقی مفید و سودمند یافتند، برای خود اختیار کردند. در سرزمین هند نیز مشایخ صوفیه بسیاری از تعالیم فلسفی آیین هندو را فراگرفته، و بر خود اختیار کردند و در اندک مدتی تمامی این فراگرفته‌ها، لاینفکی از مسلک تصوّف شد.

عارفان و یوگی‌های هندو آیین، تحت تأثیر رویه دوستانه و مسالمت‌آمیز مشایخ مسلمان و افکار و طریقت آنان واقع شدند. در این رابطه استاد عابدی بررسی و مطالعه‌ای دلچسب از تأثیر و نفوذ مشایخ صوفیه، بر پیشوایان جنبش هندویی «برهما سماج» ارائه کرده است.

در پایان ذکر این مهم را لازم می‌داند، که استاد عابدی تحصیلات ابتدایی خود را در بزرگترین مدرسه دینی شهر لکهنؤ به‌انجام رساند. آرزوی پدرش این بود که وی فردی روحانی و عالم دین شود. اگرچه استاد به احترام خواسته پدر بزرگوارش

1. Sufism in India.

به تحصیل عربی پرداخت، و فراگرفتن تعلیم و دروس دینی را تا آخرین مرحله طی کرد و به پایان رساند، اما وی تعصب و خرافه‌پرستی علما را دوست نداشت و لذا از ادامه تحصیل در علوم دینی منصرف شد. وی فراگیری علوم جدید را برای رهایی از تاریکی مدرسه‌های دینی اجتناب ناپذیر دانست. با ثبت نام در دانشکده سنت جونز شهر آگره به تحصیل ادبیات انگلیسی همت گمارد. در آن زمانه کالج سنت جونز یکی از مراکز تعلیمی و تحصیلی شمال هند به‌شمار می‌رفت و شاید به دلیل وابستگی وی به همین کالج بود، که موفق به اخذ کرسی استادیاری در کالج سنت استفن دهلی شد. محیط این کالج نیز با روحیه وی سازگاری فراوان داشت. ارتباط مستمر وی با استادان دانشگاه دهلی، آشنایی وی با شیوه تحقیق اروپایی را در پی داشت و به همین سبب تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده وی از پژوهش‌های دیگر محققان هندوستانی از نظر علمی برتری دارد. استاد عابدی همانند اروپاییان علاقه شدیدی به مطالعه و تدریس داشت و آن را هدف زندگی خود قرار داده، و با دقت و سنجیدگی تمام آن را به‌انجام رسانید. وی در حال حاضر نیز مسئولیت دانشجویان و دانش‌پژوهان بسیاری را به‌عنوان استاد راهنمای دوره دکتری بر عهده دارد. این روحیه علمی و خستگی ناپذیر استاد عابدی است، که وی را تبدیل به برجسته‌ترین پیر و مرشد عصر حاضر ساخته است.